



آیا تعریف و تمجید از کودکان همیشه نتایج مثبتی دارد و اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد؟

۳ نکته برای نحوه صحیح تحسین و تشویق دانش‌آموزان

شاید در نگاه اول اینطور به نظر برسد که تعریف و تمجید از عملکرد دانش‌آموزان تاثیر مثبتی بر اعتماد به نفس آن‌ها گذاشته و در بلند مدت باعث موفقیت آن‌ها خواهد شد. اما در واقع این چنین نیست! تعریف کردن از کودکان قواعد خاصی دارد که اگر از آن آگاهی نداشته باشید ممکن است با نتایج عجیب و غیر قابل باوری روبه‌رو شوید. در این مقاله قصد داریم تا شما را از روش‌های صحیح تشویق کردن فرزندتان آگاه‌سازیم پس با ما همراه باشید.

آنچه با مطالعه‌ی این مقاله از آن آگاه می‌شوید:

- ❖ چگونه کودکان را تشویق کنیم تا به جای تلاش برای جلب توجه به دنبال یادگیری واقعی باشند؟
- ❖ چگونه کودکان خود را تشویق کنیم تا برای مواجهه با چالش‌های جدید یا شکست آماده باشند؟
- ❖ تعریف کردن از توانمندی‌های کودک چه مضراتی دارد؟
- ❖ بهترین راه برای تعریف و تشویق دانش‌آموزان چیست؟



در سالیان گذشته والدین تمایل چندانی به تعریف از هوش فرزندان خود نداشتند اما کمی بعد تر همزمان با شکل گیری جنبش اعتماد به نفس در جهان، توجه مربیان و والدین به این موضوع جلب شد. آنها شروع به ترویج این ایده کردند که بچه ها برای دستیابی به موفقیت، نیاز به شنیدن تعریف و تمجید شما دارند.

جنبش اعتماد به نفس در طول ۵۰ سال اخیر فرهنگ غربی را درگیر خود کرده است و والدین و معلمان هم به همین اندازه اعتقاد دارند که بهبود اعتماد به نفس در کودکان می تواند باعث بهبود عملکرد آنها شود و به طور کلی زندگی موفق تری را برایشان به ارمغان بیاورد.

به همین دلیل با گذشت زمان این ایده بیشتر و بیشتر در فرهنگ عامیانه جای گرفت. کارتون ردپای آبی را به خاطر دارید؟ این نمایش برای کودکان خردسال طراحی شده بود و هر قسمت آن با این جمله به پایان می رسید:

هی، میدونی چیه؟ تو واقعا باهوشی!

شاید با خود بگویید این جمله یک جمله ی مثبت است و قطعاً تاثیر خوبی در ذهن کودک به جای می گذارد. اما در کمال ناپاوری باید بگوییم که این چنین نیست.

شواهد نشان می دهد که انواع خاصی از تعریف و تمجید می تواند نتیجه معکوس بدهد. بخصوص زمانی که یه کودکی می گویند (تو باهوش هستی) این باعث می شود که عملکرد آن ها ضعیف تر شود.

اگر می خواهید با شواهد علمی که این موضوع را ثابت می کند آشنا شوید در ادامه ی مقاله با ما همراه باشید.

یادگیری یا جلب توجه، مسئله این است!



وقتی فرزند خود را به خاطر توانایی هایش ستایش می کنید، این باعث می شود که تلاش آن ها روی خوب دیده شدن متمرکز شود نه یادگیری.

دو واژه ی توانمندی و تلاش را خوب به خاطر بسپارید. این دو کلماتی هستند که از این پس هر گاه بخواهید از فرزندتان تعریف کنید باید آن ها را مد نظر داشته باشید. وقتی فرزند خود را به خاطر توانایی هایش ستایش می کنید، این باعث می شود که تلاش آن ها روی خوب دیده شدن متمرکز شود نه

یادگیری. این در حالی است که تشویق دانش آموزان به خاطر تلاش (و نه توانایی ذاتی) می تواند به آنها کمک کند تا ذهنیت بهتری برای یادگیری ایجاد کنند.

کودکی که به خاطر هوشش مورد تحسین والدین و معلمان قرار گرفته نهایت تلاش خود را می کند که با انجام دادن صحیح کارها، هوشمندی خود را به آن ها ثابت کند. این ممکن است در نگاه اول خوب به نظر برسد اما در حقیقت حرکتی غیر مولد و نادرست است. زیرا تلاش کودک نه در راستای یادگیری و ارتقا خودش بلکه فقط و فقط در جهت جلب توجه است.

کلودیا مولر و کارول دوک، در تحقیقی که بر روی گروهی از دانش آموزان کلاس پنجم آمریکایی انجام شد به نتایج جالب توجهی دست یافتند. نتایج این آزمایشات نشان می داد که دانش آموزان بسته به نوعی که تشویق می شدند، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دادند.

برای مثال آن دسته از کودکانی که بخاطر هوششان مورد تشویق قرار گرفته بودند از ورود به چالش های جدید و پیچیده اجتناب می کردند و به جای آن تمایل داشتند که کارهای آسان را انجام دهند. آن ها همچنین به حفظ و رشد جایگاه رقابتی خود حساس بودند و به جای این که به دنبال یادگیری راه هایی برای بهبود عملکرد خود در آینده باشند. فقط می خواستند که در مقایسه با دیگران بهتر به نظر برسند.

در مقابل، دانش آموزانی که به خاطر تلاششان مورد تشویق قرار گرفتند روند متفاوتی را نشان دادند. آنها انجام دادن کارهای چالش برانگیز را ترجیح می دادند زیرا با انجام چنین کارهایی می توانستند تجربه های جدیدی را بیاموزند. نکته ی جالب توجه دیگر این بود که این دانش آموزان علاقمند بودند به جای تقلید از عملکرد سایر کودکان، راهکارهای جدیدی را برای رسیدن به موفقیت امتحان کنند.

در مقایسه با دانش آموزانی که به خاطر تلاششان مورد تشویق قرار می گیرند، کودکانی که عادت دارند به خاطر توانایی هایشان مورد تشویق قرار بگیرند:

۱. بیشتر احتمال دارد که پس از یک شکست تسلیم شوند
۲. بیشتر احتمال دارد که بعد از شکست ضعیف عمل کند
۳. و احتمال بیشتری وجود دارد که در زمان شکست طوری وانمود کنند که دیگران مقصر این شکست هستند نه خودشان.



وقتی فرزندان را به خاطر هوش آن ها تشویق می کنید، این موضوع در ذهن آن ها نقش می بندد که در صورتی که شکست بخورند این شکست، گواهی بر حماقتشان بوده و آن ها باهوش نیستند. با تعریف کردن از هوش بچه ها، به آنها می آموزیم که عملکرد آنها نشان دهنده ی هوششان است. ممکن است در ابتدا فرزند شما از تعریف و تمجید لذت ببرد اما مشکل اصلی زمانی آغاز می شود که او با چالشی دشوار یا شکست مواجه شود.

مولر و دوک در آزمایشی، مسائل نسبتاً سختی را به تعدادی دانش آموز دادند تا آن ها را حل کنند. زمانی که حل مسائل تمام شد کودکان به سه گروه تقسیم شدند و هر گروه به سه شیوه ی زیر مورد تشویق قرار گرفتند:

- گروه اول: شما باهوش هستید و باید این مسائل را به شیوه ای هوشمندانه حل کنید.
- گروه دوم: تلاش شما ارزشمند است و باید برای حل این مسائل سخت تلاش کنید.
- گروه سوم: گروه کنترل بودند که هیچ گونه بازخوردی دریافت نکردند.

در مرحله ی بعدی به دانش آموزان مسائل جدیدی داده شد. مسائلی که در این مرحله به آنها ارائه شد بسیار دشوار بوده و حل آن ها بسیار سخت بود بطوری که همگی آن ها در حل این مسائل عملکرد ضعیفی از خود نشان دادند. اما نکته ی جذاب این آزمایش اینجاست! زمانی که از بچه ها خواسته شد تا دلیل عملکرد ضعیف خود را توضیح دهند:

گروه اول که در مرحله ی اول پس از حل مسئله از هوش آن ها تعریف شده بود، بیشتر عدم موفقیت خود را ناشی از کمبود هوششان می دانستند.

اما گروه دوم که به آن ها گفته شده بود تلاش آن ها ارزشمند است و همچنین گروه سوم عدم موفقیت خود را به کمبود تلاش نسبت می دادند.

همانگونه که نتایج این آزمایش نشان می دهد، گاهی یک تعریف بی جا و نادرست ممکن است تاثیر منفی بر افکار کودکان نسبت به خودشان داشته باشد. به عبارت دیگر این که به بچه ها بگوییم تو باهوش هستی می تواند باعث شود که آن ها خودشان را کمتر باهوش ببینند.



تشویق دانش آموزان با تعریف کردن از تلاش آنها

تعریف کردن از کودکان خردسال یکی از مبانی مهم در فرایند تربیتی آن هاست و می تواند تا بزرگسالی تاثیرات مثبتی را به همراه داشته باشد. برخی تحقیقات نشان می دهد که تعریف کردن از هوش، می تواند انگیزه کودکان پیش دبستانی را افزایش دهد با این حال ستایش هوش به اندازه ستایش تلاش کودک موثر نیست.

در یک مطالعه، به کودکان پیش‌دبستانی دو معما داده شد. این کودکان به سه گروه تقسیم شدند و به هر گروه سه بازخورد به شکل زیر ارائه شد:

- بازخوردی بر مبنای تشویق شخصی که بر هوش تأکید می‌کند (شما واقعاً در حل مشکلات خوب هستید!)
- بازخوردی بر مبنای تشویق فرآیندی که بر تلاش و استراتژی‌های انتخاب شده توسط کودک تأکید داشت (شما برای این کار روش‌های خوبی پیدا می‌کنید!)
- بازخورد خنثی (شما هر دو معما را تمام کردید)

سپس، یک معمای بسیار سخت تر به بچه‌ها داده شد به گونه‌ای که هیچ کدام از آن‌ها از پس حل کردن آن برنیامدند. هنگامی که هفته‌های بعد یک معمای مشابه به کودکان ارائه شد، دو گروه اول انگیزه بیشتری نسبت به کودکانی که فقط بازخورد خنثی دریافت کرده بودند نشان دادند. همچنین در بین دو گروه اول نیز آن دسته از کودکانی که "تشویق فرآیندی" دریافت کرده بودند نسبت به کودکانی که "تشویق شخصی" دریافت کرده بودند انگیزه بیشتری نشان می‌دادند.

در آزمایش دیگری کودکان پیش‌دبستانی به تماشای نمایشی عروسکی نشستند که در آن قهرمان اصلی نمایش یک نقاشی می‌کشد و مربی او به روش‌های مختلف از نقاشی او تعریف می‌کند.

در این آزمایش کودکان به دو گروه تقسیم شدند و به هر گروه نمایشی جداگانه نشان داده شد. در نمایش نامه‌ای که گروه اول به تماشای آن نشستند، مربی برای تعریف از نقاشی قهرمان داستان، از توانایی او تعریف کرده و به او گفت: تو یک نقاش بی نظیر هستی.

اما گروه دوم شاهد نمایشی بودند که قهرمان داستان صرفاً برای همان نقاشی خاص مورد تشویق قرار گرفته بود و مربی پس از مشاهده‌ی نقاشی به او گفت: تو نقاشی خوبی کشیدی.

در انتهای هر دو نمایش قهرمان داستان در هنگام کشیدن نقاشی اش مرتکب یک اشتباه شد و نقاشی را خراب کرد. هر دو گروه کودکان نظاره‌گر این صحنه بودند.

حتماً برایتان سوال شده که احساس بچه‌ها نسبت به این نمایش چه بود؟ در کمال تعجب نوع برداشت دو گروه با هم متفاوت بوده است.

کودکانی که شاهد نمایش اول بودند که در آن به قهرمان داستان گفته شده بود "تو نقاش خوبی هستی" از اشتباه نهایی قهرمان داستان به شدت ناراحت شده و در پاسخ به این سوال که آیا دوست دارند خودشان نقاشی کنند جواب منفی دادند.

در مقابل، کودکانی که شاهد نمایش دوم بودند و در آن نمایش به قهرمان داستان گفته شده بود "تو نقاشی خوبی کشیدی" از اشتباه نهایی نقاش کمتر ناراحت شده و تمایل بیشتری به کشیدن نقاشی داشتند. نتایج این آزمایش، والدین عزیز را از این موضوع آگاه می کند که نوع تعریف و تحسین آن ها چه تاثیرات عمیقی در ذهن فرزندان شان بر جای می گذارد.

بهترین راه تعریف و تشویق دانش آموزان

همه ما با تشویق کردن آشنا هستیم، این که رفتارهای خوب و پسندیده کودکان را تشویق کنیم تا این رفتارها ادامه یابند. اما روان شناسان معتقدند گاهی اوقات این تشویق کردن نه تنها باعث افزایش تکرار رفتارهای خوب نمی شود که در طولانی مدت باعث می شود کودکان آن رفتار را کمتر انجام دهند. این که فرزند خود را باهوش خطاب کنیم می تواند باعث ضعیف شدن عملکرد آن ها شود، اما این بدان معنا نیست که ما نباید از بچه هایمان تعریف کنیم. همانطور که در بالا ذکر شد، حتی نوع "اشتباه" تشویق کردن نیز نسبت به عدم تشویق می تواند باعث ایجاد انگیزه بیشتر در کودکان شود.



بچه هایی که به خاطر هوش و استعدادشان مورد تشویق قرار می گیرند، عقیده دارند که هوش چیزی ذاتی و غیرقابل تغییر است. در نتیجه، این بچه ها در اثر شکست در مانده می شوند و این جمله در ذهن آن ها حک می شود که:

(اگر شکست بخوری، باهوش نیستی و همه چیز تمام است!)

همانگونه که در آزمایشات و شواهد مختلف اثبات شده، نوع مناسب تعریف و تمجید (مثلا تشویق فرآیندی) می تواند مزایای زیادی برای بچه ها داشته باشد. الیزابت گوندرسون و همکارانش در مطالعه ای که کودکان آمریکایی را از سن نوزادی تا ورود به دبستان بررسی می نمود، دریافتند که هرچه نسبت تشویق کودکان در اوایل کودکی بیشتر باشد، احتمال اینکه بچه ها در کلاس دوم یا سوم توانمندتر باشند و با اعتماد به نفس وارد چالش ها شوند بیشتر می شود.

مشکل این که کودک خود را باهوش یا با استعداد خطاب کنید این است که کودکان از شکست خوردن وحشت دارند و چنین کلماتی به آن ها برچسب می زند و همین برچسب باعث می شود که آن ها تمام تلاش خود را نه از روی علاقه یا میل قلبی که برای جلب توجه و از دست ندادن آن برچسب انجام دهند.

علاوه بر این ، بچه هایی که به خاطر هوش و استعدادشان مورد تشویق قرار می گیرند، عقیده دارند که هوش چیزی ذاتی و غیرقابل تغییر است. در نتیجه ، این بچه ها در اثر شکست درمانده می شوند و این جمله در ذهن آن ها حک می شود که (اگر شکست بخوری، باهوش نیستی و همه چیز تمام است!)

اگر این اصول را به خاطر بسپاریم، مشخص می شود که کدام مدل تشویق کردن بیشتر از همه مفید است. پس به جای اینکه به فرزند خود بگویید که باهوش یا با استعداد است، این ۳ گزینه را برای تشویق او امتحان کنید:

۱. کودک خود را بخاطر راهکارهایش ستایش کنید (به عنوان مثال: تو واقعا روش خوبی برای انجام اینکار پیدا کردی)

۲. کودک خود را به خاطر انجام یک کار خاص تحسین کنید (به عنوان مثال: خیلی خوب از پس اون مسئله ی ریاضی براومدی)

۳. کودک خود را به خاطر پشتکار یا تلاشش تحسین کنید (به عنوان مثال: من می تونم ببینم که تو داستی سخت تمرین می کردی و انگار این سخت کوشی تو واقعاً جواب داده)

سخن پایانی ما در این مقاله با والدین و معلمان و حتی مدیران مدارس است که در تعامل مستقیم با دانش آموزان و کودکان هستند. همانگونه که در این مقاله ذکر شد مشاهده کردید که حتی نوع تعریف و تشویق کودکان نقش بزرگی در شکل گیری پایه های ذهنی و اعتماد به نفس آن ها دارد. برآستی که تربیت کودکان امری دشوار و قابل تامل است و شما می توانید با کمی تدبیر و تلاش، انسان هایی سالمتر و توانمندتر را برای فردای کشورمان پرورش دهید.

ما نیز در این مسیر همراه شما هستیم پس با مقالات آموزشی ما همراه باشید تا از جدیدترین نکات تربیتی و آموزشی روز دنیا آگاهی پیدا کنید.